



انتشارات پرند

داستان نویسی

به مثابه شغل

هاروکی موراками

ترجمه از زبان ژاپنی: سید آیت حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



داستان نویسی به مثابه شغل

هاروکی موراکامی

職業としての小説家
村上春樹

ترجمه از زبان ژاپنی:

سید آیت حسینی

アヤット・ホセイニ 訳



● داستان نویسی به مثابه شغل

● هاروکی موراکامی

● ترجمه از زبان ژاپنی: سید آیت حسینی

عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات ژاپنی دانشگاه تهران



انتشارات پرند

مرکز مطالعات ژاپن

Center for Japanese Studies

日本研究センター



● مدیر هنری و طراح گرافیک: سعید صادقی ● مدیر اجرایی: سید امین سقراطی
● ویراستار: مرتضی کاردر ● زمستان ۱۴۰۰ ● چاپ اول ● تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
● چاپ: آیکان ● بخش: ققنوس ● قیمت: ۱۰۹۰۰۰ تومان ● جستارهای ژاپن-۹
● شابک: 978_600_8955_70_2 ● حق چاپ محفوظ است ©

● سرشناسه: موراکامی، هاروکی، ۱۹۴۹-م. Murakami, Haruki ● عنوان و نام پدیدآور: داستان نویسی به مثابه شغل/هاروکی موراکامی؛ ترجمه از زبان ژاپنی سید آیت حسینی؛ ویراستار مرتضی کاردر؛ [برای] مرکز مطالعات ژاپن. ● مشخصات نشر: تهران: انتشارات پرند، ۱۴۰۰. ● مشخصات ظاهری: [۳۶۱]ص.؛ شابک: ۷۰-۷۰-۸۹۵۵-۶۰۰-۹۷۸ ● وضعیت فهرست نویسی: فیپا ● موضوع: موراکامی، هاروکی، ۱۹۴۹-م. ● موضوع: Murakami, Haruki ● موضوع: داستان نویسان ژاپنی -- قرن ۲۰م. 20Th -- Novelists, Japanese century نویسنده -- فن Authorship-Technique ● شناسه افزوده: حسینی، سید آیت، ۱۳۶۱-، مترجم ● شناسه افزوده: مرکز مطالعات ژاپن ● شناسه افزوده: Center for Japan Studies ● رده بندی کنگره: PLA۶۲ ● رده بندی دیویی: ۸۹۵/۶۳۵ ● شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۸۶۳۷۱ ● اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

● نشانی: تهران. خیابان آیت... طالقانی. خیابان برادران شهید مظفر شمالی. بن بست کیا. پلاک ۷. واحد ۲. ۸۸۹۱۰۳۸۱
● وبسایت: www.parandepub.ir ● ایمیل: info@parandepub.ir ● اینستاگرام و توییتر: parandepub
● فروشگاه آنلاین: فروشگاه نشر پرند ● www.parandepub.ir ● فروشگاه اینترنتی نیوار: www.nivar.ir
● فروش کتاب صوتی: سایت طاقچه www.taaghche.com

فهرست

۷	مقدمه مترجم	
۱۳	پیشگفتار	
۲۳	آیا داستان نویس ها آدم های سخاوتمندی هستند؟	فصل اول
۴۷	وقتی که داستان نویس شدم	فصل دوم
۷۷	درباره جوایز ادبی	فصل سوم
۱۰۱	درباره اصالت	فصل چهارم
۱۲۹	حالا چه بنویسیم؟	فصل پنجم
۱۵۵	زمان را یار خود کردن؛ نوشتن رمان	فصل ششم
۱۸۷	داستان نویسی فعالیتی کاملاً شخصی و بدنی	فصل هفتم
۲۱۷	درباره مدرسه	فصل هشتم
۲۴۵	چه شخصیت هایی خلق کنیم؟	فصل نهم
۲۷۳	برای چه کسی بنویسم؟	فصل دهم
۳۰۳	گذشتن از مرزها؛ قلمروهای جدید	فصل یازدهم
۳۳۵	جایی که قصه هست؛ یادی از استاد هایانو کاوایی	فصل دوازدهم

مقدمه مترجم

هاروکی موراکامی^۱ برای علاقه‌مندان به داستان در ایران نیازی به معرفی ندارد. او یکی از مشهورترین و مهم‌ترین داستان‌نویسان زندهٔ دنیاست که تا کنون داستان‌هایش به بیش از پنجاه زبان ترجمه شده و میلیون‌ها نسخه از آن‌ها در سراسر جهان انتشار یافته‌اند و برخی نیز در کشورهای مختلف، در زمرهٔ پرفروش‌ترین کتاب‌ها قرار گرفته‌اند. اغلب آثار موراکامی به زبان فارسی نیز برگردانده شده و در ایران انتشار یافته‌اند و خوانندگان و طرفداران پرشماری پیدا کرده‌اند. در بازار کتاب ایران، حتی از برخی آثار او چندین ترجمهٔ متفاوت وجود دارد.

موراکامی در یادداشت‌های پراکنده‌ای که پیش از این کتاب نوشته است به شیوهٔ داستان‌نویسی خودش اشاره‌هایی کرده است، اما در کتاب حاضر، برای نخستین بار، دربارهٔ نگاهش به داستان‌نویسی و نیز دربارهٔ فرایند داستان‌نویسی خودش به صراحت و به تفصیل سخن می‌گوید.

پرسش‌های اصلی که موراکامی در این کتاب می‌کوشد به آن پاسخ دهد این است که چگونه می‌توان داستان نوشت و چگونه می‌توان داستان‌نویس حرفه‌ای شد و در این شغل دوام آورد. او برای پاسخ به این پرسش، با ذکر تجربه‌ها و خاطرات خود، ویژگی‌های لازم برای داستان‌نویس شدن را برمی‌شمارد و از نحوه کسب آمادگی روحی و جسمی برای این کار می‌گوید.

موراکامی در این کتاب با جزئیات شرح می‌دهد که داستان‌هایش را چگونه می‌نویسد. یعنی توضیح می‌دهد که سوژه‌هایش را چگونه انتخاب می‌کند، شخصیت‌هایش را از کجا می‌آورد و چگونه خلق می‌کند و چطور رویشان اسم می‌گذارد، راوی داستان‌ش را بر چه اساسی برمی‌گزیند، چگونه به قصه‌هایی که در ذهن دارد جامه کلمات می‌پوشاند، چگونه و در چند مرحله داستان را بازنویسی و اصلاح می‌کند، چگونه زمان را مدیریت می‌کند و برای آن که ترجمه آثارش در دنیا مورد استقبال قرار بگیرد چه تمهیداتی می‌اندیشد.

او در این کتاب همچنین درباره جهان‌بینی خود و نگاهش به ادبیات و هنر سخن می‌گوید، مفهوم «اصالت» در هنر را از دید خود تعریف می‌کند، از نگاهش به جوایز ادبی و ارزش و اهمیت آن‌ها می‌گوید و با زبانی تند از جامعه امروز ژاپن و به ویژه از نظام آموزشی آن انتقاد می‌کند. منتقدان ژاپنی تا کنون ایرادهای بسیاری به فرم و محتوای داستان‌های موراکامی وارد کرده‌اند. موراکامی در این کتاب، به گفته خودش، برای نخستین بار به برخی از این

انتقادهای پاسخ می‌دهد. اهمیت دیگر کتاب در این است که با این که نویسندگان آن را به قصد حسب حال نویسی ننوشته است، اما اطلاعات ارزشمند و دست اول فراوانی درباره زندگی و احوال موراکامی به ما می‌دهد.

به طور خلاصه، کتاب حاضر برای خوانندگان دریچه‌ای بی‌مانند به دنیای هاروکی موراکامی می‌گشاید و آن‌ها را با زندگی، افکار و جهان بینی این نویسنده آشنا می‌سازد. خواننده با خواندن این کتاب درمی‌یابد که موراکامی داستان‌هایش را چگونه می‌نویسد و چگونه در حرفه داستان نویسی دوام آورده و موفق شده است.

این کتاب با عنوان اصلی «داستان نویسی به مثابه شغل»^۲ برای اولین بار در سال ۲۰۱۶ در ژاپن منتشر شده و اکنون از زبان ژاپنی به فارسی برگردانده شده است. مترجم، علاوه بر آوردن نگارش ژاپنی و آوانگاری لاتین اسامی خاص، درباره افراد، وقایع و پدیده‌هایی که احتمال می‌داده اغلب خوانندگان ایرانی با آن‌ها آشنا نیستند، توضیحاتی داده است که این توضیحات به شکل پی‌نوشت به انتهای هر فصل اضافه شده‌اند. همه این توضیحات از مترجم بوده و اصل کتاب فاقد هرگونه پانویس یا پی‌نوشت است.

سید آیت حسینی

پاییز ۱۴۰۰

1. 村上春樹/Murakami Haruki (1949-)
2. 職業としての小説家/shokugyō toshite-no shōsetsuka

پیشگفتار

دقیقاً خاطر نمیست که از چه زمانی شروع به نوشتن فصل‌های این کتاب کردم، اما فکر می‌کنم پنج یا شش سال پیش بود. از مدت‌ها پیش قصد داشتم درباره نوشتن داستان و مسئله تداوم کار داستان‌نویسی چیزهایی بنویسم. به همین دلیل، هر بار که در بین کارها فرصتی دست می‌داد، اندک‌اندک در این باره مطالبی با موضوع‌های مختلف می‌نوشتم. یعنی شروع این کتاب با سفارش ناشر نبوده است، بلکه نوشتن آن را از ابتدا به صورت خودجوش و در حقیقت، برای خودم شروع کردم.

چند فصل آغازین را با لحنی عادی و رسمی، مشابه لحنی که در همین پیشگفتار می‌بینید، نوشتم. اما پس از یک بار خواندن، آن را متنی خشک و سنگین یافتم که به آسانی با مخاطب ارتباط برقرار نمی‌کرد. بنابراین، کوشیدم لحن دیگری را بیازمایم. این بار فرض کردم برای چند نفر که در مقابل من نشسته‌اند صحبت می‌کنم و لحنی گفتاری و صمیمانه را برای صحبت‌هایم برگزیدم. بعد تمام متن را با این لحن جدید که شبیه به متن سخنرانی‌ها بود بازنویسی کردم. سالن کوچکی را فرض کرده‌ام که در آن بین سی تا چهل نفر روبه‌روی من نشسته‌اند و من با بیانی دوستانه برایشان سخنرانی می‌کنم.

البته تا کنون فرصتی پیش نیامده است که در جایی این فصل‌ها را واقعاً مانند سخنرانی بخوانم (به استثنای فصل آخر که مربوط به استاد هائو کاوای است و آن را یک بار واقعاً در تالاری در دانشگاه کیوتو در مقابل حدود هزار نفر

خواندم). دلیل این که تا کنون درباره نوشتن داستان سخنرانی نکرده‌ام آن است که همیشه خجالت می‌کشیدم مستقیم در مقابل دیگران درباره داستان نویسی خودم صحبت کنم. معمولاً تمایلی ندارم که درباره داستان‌هایی که می‌نویسم توضیح بدهم، زیرا هر کسی که درباره آثار خود داد سخن در می‌دهد معمولاً در دام توجیه کردن یا خودستایی یا دفاع از خود می‌افتد. حتی اگر ابداً چنین قصدی نداشته باشد، برخی از سخنانش قطعاً چنین رنگ و بویی خواهد یافت.

پیش خودم احتمال می‌دادم که در آینده فرصت صحبت و سخنرانی در این باره دست خواهد داد. فکر می‌کردم برای این کار هنوز کمی زود است و بهتر است اندکی بیشتر یا به سن گذاشته باشم و با این فکر نوشته‌های خودم را در کشویی بایگانی کرده بودم. اما هر از گاهی در کشور را باز می‌کردم و نوشته‌هایم را بازنویسی و اصلاح می‌کردم یا چیزهایی به آن می‌افزودم. شرایطی که مرا در بر گرفته است - شرایط شخصی و شرایط اجتماعی - به تدریج در حال تغییرند و طرز فکر من هم به تبعیت از آن آهسته آهسته تغییر می‌کند. بنابراین، طبیعی است که متن اولیه‌ای که نوشته بودم با متن کتاب حاضر به لحاظ لحن و حال و هوا متفاوت باشد.

با این حال، بنیان‌های فکری و رویکردهای اصلی من در طول این سال‌ها تغییر خاصی نکرده است. حتی گاهی اوقات احساس می‌کنم حرف‌های ثابتی

را از آغاز کارم تا به امروز بارها تکرار کرده‌ام. گاه وقتی نوشته‌های سی سال پیش خودم را می‌خوانم احساس می‌کنم همین امروز آن‌ها را نوشته‌ام.

به همین دلیل، شاید برخی از نکاتی را که در این کتاب مطرح می‌کنم قبلاً به شکلی دیگر در جاهای دیگر هم گفته باشم. از خوانندگانی که برخی مطالب این کتاب را تکراری می‌یابند پوزش می‌خواهم. اما گرد آوردن این «متن سخنرانی‌های انجام نشده» در قالب یک کتاب این حسن را داشت که همه حروفها و نظرات پراکنده من را درباره داستان‌نویسی در یک جا جمع کرد. این کتاب را می‌توان به عنوان مجموعه کامل دیدگاه‌های من درباره داستان‌نویسی (البته تا به امروز) مطالعه کرد.

نیمه نخست این کتاب پیش‌تر در چند شماره مجله مانکی^۱ منتشر شده است. آقای تومویوکی شیباتا^۲ وقتی می‌خواست مانکی را منتشر کند به سراغ من آمد و گفت که قصد دارد یک مجله شخصی جدید و متفاوت در حوزه ادبیات داستانی راه بیندازد و از من خواست چیزی برایش بنویسم. من هم پذیرفتم و یک داستان کوتاه (که تازه تمامش کرده بودم) برایش فرستادم. اما ناگهان به یاد این یادداشت‌ها افتادم و گفتم که چیزهایی شبیه به متن سخنرانی هم دارم که می‌توانم در اختیارش بگذارم.

به این ترتیب، شش فصل نخست کتاب حاضر در شش شماره اول مجله مانکی منتشر شد. برای هر شماره، متن از پیش نوشته و حاضر شده‌ای را که

روی میزم آماده بود به مجله ارسال می‌کردم و از این حیث کار بسیار آسانی بود. در مجموع یازده فصل نوشته بودم که شش فصل اول آن در مجله مانکی چاپ شد و پنج فصل دیگر برای نخستین بار در این کتاب منتشر می‌شوند. متن سخنرانی خودم دربارهٔ استاد هایاتو کاوایی را هم به آن اضافه کرده‌ام و تعداد فصل‌های کتاب حاضر به دوازده فصل رسیده است.

احتمالاً برخی این کتاب را جستارهایی در وادی حسب حال نویسی در نظر خواهند گرفت، اما هدف اصلی من از نگارش آن نوشتن زندگی‌نامه خودنوشت نبوده است. بلکه غرض آن بود که تا حد امکان به شکلی عینی و ملموس توضیح دهم که به عنوان داستان‌نویس چه مسیری را طی کرده‌ام و در این مسیر چه افکاری در سرم بوده است. با این حال، چون داستان‌نویسی به یک معنا «بیان کردن خود» است، هر متنی که دربارهٔ داستان‌نویسی باشد، به نوعی به حسب حال هم بی‌شباهت نخواهد بود.

من نمی‌دانم که این کتاب چقدر خواهد توانست برای علاقه‌مندان به داستان‌نویسی نقش کتاب راهنما را بازی کند. زیرا طرز فکر من تا حد زیادی شخصی است و مطمئن نیستم که شیوهٔ داستان‌نویسی یا سبک زندگی من چقدر می‌تواند تعمیم‌پذیر باشد. با نویسندگان دیگر هم تقریباً هیچ مرادده‌ای ندارم و نمی‌دانم آن‌ها چگونه داستان می‌نویسند و به همین دلیل، امکان مقایسه شیوهٔ داستان‌نویسی خودم با آن‌ها برایم فراهم نیست. خودم راه

دیگری برای داستان نوشتن بلد نیستم و به همین دلیل به این شیوه داستان می نویسم. هرگز ادعا نمی کنم که این درست ترین یا بهترین شیوه داستان نویسی است. شاید برخی از جنبه های روش داستان نویسی من تعمیم پذیر باشند و برخی جنبه های دیگر چندان قابل تعمیم نباشند. بدیهی است که به تعداد داستان نویسان شیوه داستان نویسی وجود دارد. خوانندگان کتاب خود باید درباره قابلیت تعمیم این شیوه قضاوت کنند.

اما نکته ای که دوست دارم خوانندگان کتاب هرگز از نظر دور نگه ندارند این است که من آدمی بسیار معمولی هستم. البته فکر می کنم مختصر استعدادی در داستان نویسی دارم (زیرا اگر نداشتم نمی توانستم سال های طولانی به این حرفه ادامه دهم). اما اگر از این استعداد اندک صرف نظر کنیم، از هر حیث آدمی معمولی هستم که امثالش همه جا پیدا می شوند. وقتی در خیابان راه می روم اصلاً جلب توجه نمی کنم و وقتی به رستوران می روم معمولاً بدترین میز را به من می دهند. اگر داستان ننوشته بودم، احتمالاً هیچ کس متوجه من نمی شد و خیلی عادی، یک زندگی کاملاً عادی داشتم. این را هم بگویم که خودم در زندگی روزمره معمولاً احساس نمی کنم که نویسنده ام.

با این همه، با هر داستانی که نوشته ام کوشیده ام توانایی هایم را ارتقا بدهم و البته بخت هم یارم بوده و سماجت ذاتی ام هم به کمک آمده است و توانسته ام در طول این سی و پنج سال در کسوت داستان نویس حرفه ای به نوشتن

داستان ادامه دهم. واقعیتی که خودم را حتی تا به امروز متحیر می سازد. واقعاً و عمیقاً متحیر می شوم. آنچه می خواهم در این کتاب بگویم، در حقیقت، شرح این حیرت و شرح تلاشم (یا عزمم) برای زنده نگه داشتن و حفظ کردن این حیرت در ناب‌ترین شکل آن است. شاید بتوان تمام زندگی من در این سی و پنج سال را فعالیتی پرشور برای تداوم این حیرت دانست. نکته دیگری که دوست دارم در پایان متذکر شوم آن است که من در فعالیت‌های فکری محض خیلی قوی نیستم. یعنی در تفکر منطقی و تفکر انتزاعی توانایی چندانی ندارم. جز با نوشتن نمی‌توانم منظم فکر کنم. فقط با نوشتن از طریق حرکت فیزیکی دست و خواندن چندین باره آن نوشته و بازنویسی و اصلاح آن است که می‌توانم افکارم را مانند دیگران سامان بدهم و به درک درستی از اندیشه خودم برسم. به همین دلیل، در طول سال‌ها فصل‌های این کتاب را نوشته‌ام و بارها آن‌ها را بازنویسی و اصلاح کرده‌ام تا بتوانم درباره خود داستان نویسم و درباره داستان نویس بودن خودم منسجم‌تر فکر کنم. بنابراین، نمی‌دانم این نوشته‌های شخصی یا بهتر است بگویم خودخواهانه من، که بیش از آن که پیام باشد، فرایند فکر کردن من است، چقدر به کار خوانندگان کتاب خواهد آمد. اما اگر حتی اندکی برایشان مفید باشد باعث خوشحالی بسیار خواهد بود.

ژوئن ۲۰۱۵ / هاروکی موراکامی

۱. مجله ادبی-هنری مانکی (MONKEY) که به سردبیری تومویوکی شیباتا از سال ۲۰۱۳ تا کنون با سه شماره در سال (فوریه، ژوئن، اکتبر) در ژاپن منتشر می‌شود.

2. 柴田元幸/Shibata Tomoyuki (1954-)

فصل اول

آیا داستان نویس ها آدم های سخاوتمندی هستند؟

اگر بخواهیم درباره «داستان» حرف بزنیم، بحث از همان ابتدا بیش از اندازه گسترده می‌شود. پس اجازه بدهید عجلتاً درباره «داستان‌نویس» صحبت کنیم که هم ملموس‌تر است، هم با چشم دیده می‌شود و هم نسبتاً راحت‌تر می‌شود درباره‌اش حرف زد.

تا جایی که من دیده‌ام، اغلب داستان‌نویس‌ها، صد البته نه همه آن‌ها، شخصیت‌های انعطاف‌پذیر و دیدگاه‌های منصفانه ندارند. و باز تا جایی که من دیده‌ام و خیلی هم نمی‌توانم با صدای بلند بگویم، در بین نویسندگان کسان زیادی هستند که ویژگی‌ها و خلیات ناخوشایند و عادت‌ها و رفتارهای عجیب دارند. همچنین غالب نویسندگان، از جمله خود من (حدس می‌زنم بیش از نود درصد نویسندگان چنین باشند) با این که شاید به زبان نیاورند، اما تصور می‌کنند کاری که خودشان می‌کنند و چیزی که خودشان می‌نویسند درست‌ترین است و نویسندگان دیگر، به جز برخی استثناهای خاص، همگی

گام در مسیر اشتباه گذاشته‌اند و با این تصور زندگی خود را می‌گذرانند. آدم‌هایی که دلشان بخواهد با چنین کسی دوست یا همسایه باشند، اگر خیلی با احتیاط بگویم، چندان زیاد نیستند. گاه دربارهٔ رفاقت صمیمانه نویسنده‌ها با یکدیگر حرف‌هایی به زبان می‌آید. اما من هربار که این چیزها را می‌شنوم حواس خودم را جمع می‌کنم که فریب نخورم. شاید چنین رفاقت‌هایی هم واقعاً وجود داشته باشند، اما به نظر من روابط نزدیک و صمیمانه بین نویسندگان دوام چندانی ندارد. نویسنده‌ها اساساً آدم‌های خودپسندی هستند و غرور بسیار دارند و به شدت اهل رقابت‌اند. اگر نویسنده‌ها را پیش هم بنشانیم، احتمال این که نتوانند با هم کنار بیایند بسیار زیاد است. خود من هم چندین بار چنین تجربه‌هایی داشته‌ام.

یک نمونه مشهور از برخورد نویسنده‌ها در یک مهمانی شام در پاریس در سال ۱۹۲۲ اتفاق افتاده است و در آن مارسل پروست^۱ و جیمز جویس^۲ سر یک میز نشسته‌اند. اما با وجود نزدیکی فاصله، تا پایان تقریباً یک کلمه هم با یکدیگر صحبت نکرده‌اند. حضار صبر و قرار نداشتند و گوش تیز کرده بودند تا ببینند این دو نویسندهٔ بزرگ که نماینده‌های ادبیات قرن بیستم‌اند دربارهٔ چه موضوعاتی صحبت خواهند کرد. اما تیر همه‌شان به سنگ می‌خورد. این بی‌ رغبتی احتمالاً به خاطر غرور بالای هر دو نویسنده بوده است. از این موارد فراوان پیش می‌آید.

با این وجود، از نظر انحصارطلبی در حوزه حرفه‌ای یا ساده‌تر بگویم «مرزبندی» کاری، داستان‌نویس‌ها قلب بسیار بزرگی دارند. انسان‌هایی با این حد از سخاوت در جاهای دیگر به ندرت پیدا می‌شوند. همیشه فکر می‌کنم این یکی از معدود زیبایی‌هایی است که همه داستان‌نویسان در داشتن آن شریک هستند. بگذارید کمی ملموس‌تر و ساده‌تر توضیح بدهم. فرض کنیم یک داستان‌نویس صدای خوبی دارد و خواننده شده است. یا استعداد نقاشی دارد و چند اثر نقاشی از کارهای خودش عرضه کرده است. این نویسنده بدون شک در مسیر خود مخالفت‌های زیادی خواهد دید و احتمالاً با انواع طعنه و ریشخند نیز روبه‌رو خواهد شد. حتماً از مردم چیزهایی از این قبیل خواهد شنید که «هوا برش داشته و کارهای بی‌ربط می‌کند»، «آماتور است و هنر و استعدادی ندارد» و خوانندگان و نقاشان حرفه‌ای نیز به سندی از او استقبال خواهند کرد و حتی ممکن است دست به آزارش بزنند. دست‌کم بعید می‌دانم در کوتاه‌مدت کسی به او خوش‌آمد بگوید یا استقبال گرمی از او بکند. اگر هم استقبالی شود در جاهای بسیار محدود و در اشکال بسیار محدود خواهد بود.

من در کنار نوشتن داستان‌های خودم، تا به امروز به مدت حدود سی سال آثار ادبی انگلستان و آمریکا را به ژاپنی ترجمه کرده‌ام. در آغاز کار مخالفت‌ها بسیار شدید بود (البته شاید همچنان همان‌طور باشد). اینجا و آنجا حرف‌هایی می‌شنیدم از این دست که «ترجمه چیز ساده‌ای نیست که هر آدم

آماتوری به آن دست بزند» یا «ترجمه کردنِ نویسنده‌ها سرگرمی آزاردهنده‌ای است». همچنین وقتی کتاب «زیرزمین»^۲ را نوشتم نویسندگان حرفه‌ای ادبیات غیرداستانی انتقادات بسیار تندی را علیه من مطرح کردند؛ انتقاداتی از این قبیل که «قواعد ناداستان را نمی‌شناسد» یا «روایت اشک درآور نازی است» و یا «تفنی و سطح پایین است».

من به «ناداستان» به چشم ژانر نگاه نمی‌کردم و صرفاً تلاش کردم آنچه را که در ذهنم می‌گذرد در قالبی «غیرداستانی» یا به عبارتی دیگر «اثری که داستانی نیست» بریزم. غافل از آن که گویا پا روی دم بیرهائی گذاشته بودم که از قلمرو مقدس «ناداستان» نگهبانی می‌کنند. من روحم از وجود چنین قلمروی بی‌خبر بود و تصور هم نمی‌کردم که ناداستان «قواعد خاص» خود را دارد و به همین خاطر، در اوایل کار گیج و سردرگم شده بودم.

به این ترتیب، در هر کاری اگر انسان به حیطة غیرتخصصی خودش دست دراز کند، متخصصان آن حیطة به او روی خوش نشان نخواهند داد و درست مثل گلبول‌های سفید خون که با موجودات خارجی در بدن مبارزه می‌کنند خواهند کوشید تا دسترسی او را به حیطة خود قطع کنند. اگر انسان دلسرد نشود و با قدرت به راه خود ادامه دهد، متخصصان در نهایت می‌بینند که چاره‌ای ندارند و در سکوت می‌پذیرندش و به او اجازه همنشینی می‌دهند. اما در ابتدای کار همیشه مخالفت‌ها بسیار شدید است. هرچه «آن حیطة»

محدودتر و تنگ‌تر باشد، هرچه تخصصی‌تر باشد و هرچه تمرکزگرای در آن بیشتر باشد، غرور و انحصارطلبی افراد آن حیطه هم بیشتر خواهد بود و در نتیجه، مقاومتشان در برابر آدم‌های جدید نیز شدیدتر خواهد بود.

اما اگر وضعیت برعکس باشد، یعنی اگر خواننده یا نقاشی داستان بنویسد، یا اگر مترجم یا نویسنده ادبیات غیرداستانی داستان بنویسد آیا داستان‌نویسان به او رو ترش می‌کنند؟ بعید می‌دانم. در عمل هم خواننده‌ها، نقاش‌ها، مترجمان و نویسندگان آثار غیرداستانی بسیاری را دیده‌ایم که به داستان‌نویسی روی آورده‌اند و استقبال خوبی از آثار آن‌ها شده است. اما نشنیده‌ایم که داستان‌نویسان غضب کرده باشند و بگویند «آماتور است» یا «کار بی‌هوده کرده است». بدگویی و تمسخر و آزار و اذیت و زیرآب‌زنی هم دست‌کم تا جایی که من دیده و شنیده‌ام چندان رایج نیست. اتفاقاً داستان‌نویسان معمولاً نسبت به تازه‌واردان از حوزه‌های دیگر کنج‌کاوند و دوست دارند اگر فرصتی پیش آمد با آن‌ها دیدار کنند و از داستان حرف بزنند و حتی گاه تشویقشان می‌کنند. البته ممکن است بدگویی کردن پشت سر تا حدودی رایج باشد، اما این کار در میان داستان‌نویسان مرسوم است و در حقیقت کار هر روزشان محسوب می‌شود و ارتباطی با آمدن از حوزه‌های دیگر ندارد. داستان‌نویسان عیب‌های بسیاری دارند، اما به نظر می‌رسد سعه صدر و سخاوت آن‌ها در خصوص ورود دیگران به درون مرزهای قلمرو خودشان بسیار است.